

سیاست خارجی ترکیه در اوراسیای مرکزی؛ رویکرد دیپلماسی انرژی

در ابعاد منطقه‌ای (۲۰۱۴-۲۰۰۲)

سید جلال دهقانی فیروزآبادی

استاد روابط بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبایی

مرتضی شکری*

دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبایی

علی اسمعیلی اردکانی

دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبایی

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۶/۱۴ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۶/۰۳/۲۰)

چکیده

از مهم‌ترین تحولات سیاست خارجی ترکیه در یک دهه گذشته به‌ویژه با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه، توجه به مناطق پیرامونی از جمله منطقه اوراسیا در چارچوب اصل «به‌صفر رساندن اختلاف با همسایگان» و «بیشینه همکاری» است که در آیین سیاست خارجی این کشور بر آن تأکید شده است. تحول در سیاست خارجی ترکیه نسبت به منطقه اوراسیای مرکزی در شرایطی است که پیش از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در آمریکا، مقام‌های آنکارا تنها بر اساس مناسبات فرهنگی و زبانی، سیاست خارجی خود را نسبت به این منطقه تعیین می‌کردند. در این زمان ارزش‌های عرفی‌گرایی و پان‌ترک‌گرایی پایه سیاست خارجی ترکیه را تشکیل می‌داد؛ اما با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه و اولویت یافتن توسعه اقتصادی در سیاست خارجی ترکیه، جذابیت اقتصادی منطقه اوراسیا تا حدود زیادی اولویت‌های فرهنگی این کشور را در منطقه در تأثیر قرار داد. در همین زمینه، سیاست خارجی رقابت‌محور ترکیه (رقابت ایدئولوژیک با کشورهای منطقه از جمله روسیه، گرجستان، ارمنستان) جای خود را به سیاست همکاری با آن‌ها داده است. این نوشتار با استفاده از روش توصیفی تحلیلی به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش است که مهم‌ترین عامل در شکل‌دهی به سیاست خارجی ترکیه نسبت به منطقه اوراسیا چه بوده است؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که با توجه به رشد اقتصادی ترکیه در یک دهه اخیر و نیاز روزافزون به واردات انرژی از یک‌سو و نیز موقعیت ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک مناسب این کشور به‌منظور تبدیل شدن به هاب انرژی دنیا از سوی دیگر، می‌توان ادعا کرد که مسئله انرژی مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر شکل‌دهی سیاست خارجی ترکیه نسبت به منطقه اوراسیا در سال‌های اخیر بوده است.

کلیدواژه‌ها

امنیت انرژی، اوراسیا، ترکیه، خطوط لوله انرژی، سیاست خارجی.

مقدمه

سیاست خارجی ترکیه که از ابتدا بر پایه مداخله‌نکردن در مسائل داخلی کشورهای همسایه و منطقه پیرامون شکل گرفته بود، با وقوع تحولاتی از جمله پایان جنگ سرد، فروپاشی اتحاد شوروی، ظهور جمهوری‌های جدید در آسیای مرکزی، گسترش ایده مردم‌سالاری و تغییر موازنه امنیتی منطقه، شاهد تغییرهایی اساسی شد، به گونه‌ای که مناطق پیرامونی از جمله اوراسیا^۱ که پیش از این در اولویت سیاست خارجی ترکیه قرار نداشتند، جایگاه ویژه‌ای در دستگاه دیپلماسی این کشور پیدا کردند. تحول در سیاست خارجی ترکیه به گونه‌ای چشمگیر بوده است که عده‌ای از ترکیه جدید نام می‌برند.

سیاست خارجی ترکیه جدید که احمد داوود اوغلو طراح واقعی آن است بر مبنای دو اصل «به‌صفرسازدن اختلاف‌ها با همسایگان»^۲ و «بیشینه همکاری»^۳ شکل گرفته است. در آیین جدید سیاست خارجی ترکیه، مسئولان سیاست خارجی بر این باورند که ترکیه به دلیل موقعیت جغرافیایی و تاریخی خاص خود عمق راهبردی دارد. به همین دلیل باید در ردیف کشورهای منحصربه‌فرد قرار گیرد و به‌عنوان قدرتی مرکزی محسوب شود. این آیین بر این باور است که ترکیه باید نقش رهبری مناطق پیرامونی خود را به عهده بگیرد و برای خود اهمیت راهبردی جهانی به‌دست آورد. به همین منظور ترکیه باید با همسایگان خود روابط دوستانه برقرار کند و مشکلات و اختلاف‌های بین دو طرف را از بین ببرد. مهم‌ترین هدف ترکیه در این چارچوب، رسیدن به بیش‌ترین میزان همگرایی و همکاری با همسایگان است.

منطقه اوراسیای مرکزی از مهم‌ترین مناطق پیرامونی است که بعد از فروپاشی اتحاد شوروی اهمیت و جایگاه ویژه‌ای در سیاست خارجی ترکیه پیدا کرده است. نگاهی به سیاست خارجی ترکیه در دهه اول پس از فروپاشی اتحاد شوروی نشان می‌دهد، سیاست خارجی این کشور در منطقه اوراسیای مرکزی بر مبنای سیاست‌های فرهنگی و ایدئولوژیک استوار بوده است؛ اما پس از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه که نقش مهمی در بهبود اقتصاد بیمار ترکیه داشت، مسائل اقتصادی در اولویت سیاست خارجی این کشور قرار گرفت. در همین زمینه سیاست خارجی رقابت‌محور ترکیه (رقابت ایدئولوژیک با کشورهای منطقه از جمله روسیه، گرجستان، ارمنستان) جای خود را به سیاست همکاری با آن‌ها داده است.

۱. منطقه اوراسیا گستره‌ای است که از دو جمهوری غرب روسیه (اوکراین و روسیه سفید) شروع و مناطق میان دریای سیاه تا مغولستان را در برمی‌گیرد و علاوه بر روسیه و قفقاز، منطقه خزر و آسیای مرکزی را نیز شامل می‌شود.

2. Zero problems with neighbors
3. Maximum cooperation

اکنون این پرسش مطرح است که مهم‌ترین عامل اقتصادی مؤثر در فعال‌شدن سیاست خارجی ترکیه نسبت به منطقه اوراسیا بعد از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه چه بوده است؟ فرضیه‌ای که در پاسخ به این پرسش مطرح می‌شود این است که برخی مسائل مرتبط با بخش انرژی مانند تأمین نیازهای انرژی، تبدیل شدن به راهرو و هاب انرژی و نیز امنیت انرژی، مهم‌ترین عامل‌های مؤثر در به کارگرفتن جهت‌گیری فعال ترکیه به منطقه اوراسیای مرکزی بوده است.

چارچوب مفهومی: منطقه‌گرایی

منطقه‌گرایی به‌عنوان تجلی و کرد همکاری بین‌المللی پس از جنگ جهانی دوم در اروپا آغاز شد. از این رو نظریه‌های منطقه‌گرایی تحت تأثیر تجربه‌ها و تحولات همگرایی اروپا پردازش و ارائه شد. نظریه‌های کلاسیک منطقه‌گرایی بیشتر دولت‌محور و بر مبنای خردگرایی شکل گرفته بودند. برای مثال نظریه نوواقع‌گرایی فرض می‌کند که در نبود یک قدرت اجرایی در نظام بین‌الملل (آنارشیک بودن نظام)، همکاری برای دولت‌هایی که نگران توزیع قدرت میان خود هستند، امری ریسک‌پذیر است (Baldwin, 2013: 279). برای توضیح همکاری‌های منطقه‌ای، نظریه ثبات هم‌مونیک بر قدرت‌های بزرگ درون منطقه و برون منطقه تأکید می‌کند که مایل به رهبر حل و فصل منازعات منطقه‌ای هستند و به این ترتیب مسیر همگرایی را صاف می‌کنند (Gilpin, 2016: 87-90).

با پایان یافتن جنگ سرد، به تدریج نوع‌ها و شکل‌های جدیدی از منطقه‌ای‌شدن خارج از اروپا و جهان توسعه یافته ظهور کرد که از تجربه همگرایی اروپا متفاوت و متمایز بود. به شکلی که نظریه‌های منطقه‌گرایی اروپا محور نمی‌توانستند روند منطقه‌ای‌شدن در جهان سوم و مناطق پیرامونی و شبه‌پیرامونی را توضیح دهند، چون انگیزه‌ها، هدف‌ها و کارگزاران منطقه‌گرایی در این مناطق با همگرایی اروپا همسان و یکسان نبودند (Dehghani Firouzabadi, 2010: 100). در این دوران از یک سو حجم زیادی از موافقت‌نامه‌های ترجیحی تجاری^۱ بین دولت‌ها امضا شد. از سویی دیگر، سازمان‌های منطقه‌ای مانند اتحادیه کشورهای جنوب شرق آسیا (آسه‌آن)، جامعه اقتصادی کشورهای غرب آفریقا^۲ توانایی و کارایی بهتری نسبت به دو دهه پیش پیدا کردند. امروزه همکاری و همگرایی منطقه‌ای به گونه‌ای گسترش یافته است که محدودیت‌های زمانی و مکانی و ژئوپلیتیکی نتوانسته است مانع آن شود. برخلاف نظریه‌های کلاسیک که بر نقش دولت‌ها در منطقه‌گرایی تأکید داشتند، گروه‌های اجتماعی، بازارهای ملی و سازمان‌ها در روند منطقه‌گرایی مؤثر هستند (Borzell and Risse, 2007: 327).

1. Preferential Trading Agreements (PTA)

2. Economic Community of West African States (ECOWAS)

ماهیت نظام بین‌الملل در دنیای امروز به گونه‌ای است که به همان اندازه که دامنه‌های نقش و نفوذ و منافع ملی قدرت‌ها در دنیا افزایش می‌یابد به همان اندازه نیز ضرورت گسترش تعامل و همکاری و نیاز به ائتلاف‌ها و تمرکز بر منطقه‌گرایی نیز گسترش می‌یابد. برای نمونه حضور آمریکا در مناطق مختلف جهان زمانی اتفاق افتاد که منافع آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم به‌عنوان یک ابرقدرت در مناطق مختلف جهان گسترش یافت و به تبع آن، نیاز به شناخت ملت‌ها و ائتلاف با دولت‌های جهان در مناطق مختلف مسئله‌ای اجتناب‌ناپذیر شد (Barzegar, 2010: 34).

تقویت منطقه‌گرایی در سیاست خارجی ترکیه در قالب تفکر «عثمانی‌گرایی جدید» نیز بر همین اساس تحلیل‌شدنی است. این راهبرد از اهرم‌های مهم ترکیه در ایجاد تعادل با قدرت‌های بزرگ، آمریکا و اتحادیه اروپا و استفاده از ظرفیت‌های هویت ژئوپلیتیک این کشور در جهت افزایش بازیگری منطقه‌ای و جهانی این کشور است (Barzegar, 2010: 38). منطقه‌گرایی سیاست خارجی ترکیه را می‌توان به دوره‌های مختلفی تقسیم‌بندی کرد، در دوره اول که دوره ریاست جمهوری کمال آتاتورک را شامل می‌شود (۱۹۳۹-۱۹۲۳)، سیاست خارجی ترکیه از اصل سیاست موازنه سنتی قدرت یعنی «صلح در خانه، صلح در جهان» پیروی می‌کرد. بر همین اساس سال‌های نخستین سیاست خارجی ترکیه معطوف به حل مسائلی شد که در پیمان لوزان درباره آن‌ها تصمیم‌گیری نشده بود. نزدیکی به اتحاد شوروی و تلاش برای پیوستن به جامعه ملل نیز مهم‌ترین سیاست خارجی ترکیه در این دوران بود (Politikaakademisi, 2015).

در دوره دوم (بعد از جنگ جهانی دوم تا فروپاشی اتحاد شوروی) عضویت در شورای اروپا (۱۹۴۹) و ناتو (۱۹۵۹) و تأمین امنیت غرب به‌ویژه آمریکا در منطقه، مهم‌ترین دغدغه سیاست خارجی این کشور بود. با این شرایط، مهم‌ترین هدف‌های سیاست خارجی ترکیه را علاوه بر تأمین امنیت غرب، مقابله با خطر و نفوذ کمونیسم و حفظ امنیت اسرائیل تشکیل می‌داد. دوره سوم منطقه‌گرایی در سیاست خارجی ترکیه پس از فروپاشی اتحاد شوروی تاکنون ادامه یافته است. منطقه‌گرایی پسا جنگ سرد در سیاست خارجی ترکیه را می‌توان به دو مقطع کلی تقسیم کرد. دوره اول از فروپاشی اتحاد شوروی تا روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه است. در این دوران، سیاست‌گذاران ترکیه، باهدف فعال‌شدن هرچه بیشتر در مسائل و امنیت منطقه‌ای، در پی درپیش‌گرفتن راهبردهایی بودند که از آن راه بتوانند پنجره‌های جدیدی را به روی سیاست خارجی خود بگشایند. برخی از نشانه‌های منطقه‌گرایی ترکیه در این دوران را می‌توان در رویکرد این کشور به کشورهای دولت‌های ترک‌زبان و نواستقلال از اتحاد

شوروی، ایجاد سازمان همکاری اقتصادی دریای سیاه،^۱ یا شرکت نیروهای نظامی این کشور در عملیات حفظ صلح بین‌المللی و تغییر نگاه امنیتی این کشور به مسئله قبرس دید^۲ (Kaliber, 2013: 32).

موج دوم منطقه‌گرایی پساجنگ سرد در سیاست خارجی ترکیه بعد از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه به وجود آمد. آنجا که ترکیه برای خود نقش محوری در مناطق پیرامونی منطقه قائل بود. منطقه‌گرایی جدید ترکیه برگرفته از اندیشه‌های احمد داوود اوغلو است که به‌عنوان معمار سیاست خارجی ترکیه جدید شناخته می‌شود. داوود اوغلو در کتابی به نام «عمق راهبردی» آیین خود را دربارهٔ سیاست خارجی ترکیه بیان کرده است. در این آیین استدلال می‌شود که «ترکیه به دلیل موقعیت جغرافیایی و تاریخی خاص خود عمق راهبردی دارد». به همین دلیل باید در ردیف کشورهای منحصربه‌فرد قرار گیرد و به‌عنوان قدرتی مرکزی محسوب شود. این آیین بر این باور است که ترکیه باید نقش رهبری مناطق پیرامونی خود را به عهده بگیرد و اهمیت راهبردی جهانی برای خود به دست آورد. همچنین در آیین جدید بر «زدودن همهٔ اختلاف‌ها و تنش‌های موجود و افزایش ثبات در منطقه از راه وابستگی متقابل اقتصادی و جست‌وجوی سازوکارهای ابتکاری و کانال‌های حل اختلاف با تشویق اقدام‌های مثبت و ایجاد پل‌های میان‌فرهنگی با ایجاد گفت‌وگو و فهم مشترک» تأکید زیادی شده است (Davutoğlu, 2009: 13). بنابراین، با توجه به این زمینه‌های تاریخی و نظری، می‌توان گفت که مهم‌ترین هدف ترکیه در منطقه‌گرایی جدید، رسیدن به بیشترین میزان همگرایی و همکاری با همسایگان است. بر این اساس منطقهٔ اوراسیا و قفقاز از مناطقی است که در سیاست خارجی ترکیه جایگاه ویژه‌ای یافته است.

سیاست خارجی ترکیه در اوراسیا

پیوندهای فرهنگی و زبانی ترکیه با چهار دولت ترک‌زبان نوبنیاد آسیای مرکزی (شامل ترکمنستان، قرقیزستان، قزاقستان و ازبکستان) سبب شده تا این کشور پس از فروپاشی اتحاد شوروی به دنبال گسترش ارزش‌های فرهنگی و ایدئولوژیک موردنظر خود در این منطقه باشد؛ اما با توجه به مشکلات اقتصادی ترکیه در اوایل دههٔ ۱۹۹۰ و تمرکز سیاست خارجی این کشور بر نزدیکی به آمریکا و اروپا در این دهه، این کشور نتوانست در منطقهٔ اوراسیای مرکزی نفوذ چندانی به دست بیاورد. همکاری ترکیه با آمریکا به‌طور کلی برای مهار

1. Black Sea Economic Cooperation (BSEC)

۲. جزیرهٔ قبرس در شرق مدیترانه از غنی‌ترین مناطق نفت و گاز است. این جزیره به واسطهٔ داشتن دو قوم ترک و یونانی در دهه‌های اخیر همواره موضوع اختلاف یونان و ترکیه بوده است. ترکیه از قسمت ترک‌نشین شمالی و یونان نیز از قسمت یونانی‌نشین شمالی حمایت کرده است.

ایران و روسیه و فرونشاندن بحران‌های بالکان بود (Chegenizadeh and Khoshandam, 2010: 197). در این زمان حملات تبلیغی شدیدی علیه ترکیه صورت می‌گرفت مبنی بر اینکه فعالیت‌های بنیاد گولن سبب رشد افراطی‌گرایی و بنیادگرایی اسلامی در منطقه آسیای مرکزی شده است. نیروهای طرفدار غرب و اروپا هم در داخل ترکیه به این تبلیغات دامن می‌زدند که به‌نوبه خود به کاهش نفوذ ترکیه در این منطقه کمک کردند (Naghdinejad and Pour, 2012: Ebrahim).

تمرکز ترکیه بر غرب و اتحادیه اروپا در این دوران موجب غفلت از ظرفیت اقتصادی آسیای مرکزی شده بود. به تدریج در میانه دهه ۱۹۹۰، این برداشت در میان مقام‌های ترکیه رواج پیدا می‌کند که عضویت این کشور در اتحادیه اروپا مشروط به تبدیل شدن به قدرتی منطقه‌ای است. به همین دلیل از سال ۱۹۹۶ سیاست‌گذاران ترکیه سیاست عمل‌گرایانه‌ای در برابر مناطق پیرامونی از جمله منطقه اوراسیا به‌کار گرفته‌اند.

از سال ۲۰۰۲ که حزب عدالت و توسعه در ترکیه به قدرت رسید، ترکیه سیاست خارجی فعال‌تری نسبت به منطقه اوراسیا به‌کار گرفت. سیاست خارجی ترکیه نسبت به این منطقه، به صورت موازی هم براساس گسترش روابط فرهنگی و هم بر مبنای افزایش روابط در حوزه اقتصاد شکل می‌گیرد. در چنین شرایطی، حکومت ترکیه بعد از سال ۲۰۰۲ سیاست خارجی خود در اوراسیا را بر مبنای همکاری با روسیه به‌عنوان همسایه و کشورهای آسیای مرکزی با قفقاز به‌عنوان کشورهایی که نزدیکی فرهنگی زیادی با ترکیه دارند، قرار داد. در ارتباط با روسیه، ترکیه روابط خود را با این کشور گسترش داد. در واقع، رقابت با روسیه در این دوران جایش را به همکاری داد. همکاری با روسیه همچنین با امضای «برنامه رایزنی»^۱ در سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ ارتقا یافت (Bilgin and Bilgic, 2011: 188). همین‌طور ترکیه روابط خود را با کشور گرجستان نیز گسترش داد. یکی از برنامه‌های ترکیه در این زمینه، پیشنهاد «طرح امنیت و همکاری قفقاز» در سال ۲۰۰۸ بود که می‌توانست تلاشی برای حفظ امنیت و ثبات در منطقه قفقاز جنوبی باشد. همچنین ترکیه با کشورهای ترک‌زبان منطقه روابط خود را گسترش داد. هرچند که تا سال ۲۰۰۷ این کشورها در اولویت برنامه حزب عدالت و توسعه نبودند. در این سال برنامه عبدالله گل در ارتباط با کشورهای روسیه، گرجستان و ارمنستان بر پایه اصل «همسایگی خوب» قرار داشت و در عوض روابط با کشورهای ترک‌زبان منطقه که هم‌نژاد ترکیه هستند بر اساس «مسئولیت تاریخی» شکل گرفت (Bilgin and Bilgic, 2011: 189). به موازات افزایش روابط سیاسی، ترکیه در حوزه اقتصادی نیز روابط خود را با کشورهای منطقه گسترش داده است. به‌گونه‌ای که میزان حجم تجارت خارجی ترکیه با کشورهای اوراسیا

که از زمان تورگوت اوزال^۱ روبه‌افزایش گذاشته بود با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه به شکل چشمگیری افزایش یافته است. جدول ۱ این موضوع را به خوبی نشان می‌دهد.

جدول ۱. حجم تجارت خارجی (میزان صادرات و واردات) ترکیه با کشورهای اوراسیا (۲۰۱۰-۱۹۸۰)
واحد: میلیون دلار آمریکا

کشور	۱۹۸۰	۱۹۸۵	۱۹۹۰	۱۹۹۵	۲۰۰۰	۲۰۰۵	۲۰۱۰	۲۰۱۵
فدراسیون روسیه	۳۵۰	۴۱۰	۱۸۰۰	۳/۲۰۰	۴۵۵۰	۱/۵۳۰۰	۲/۶۵۰۰	۳۳/۳۱۳
آسیای مرکزی و قفقاز								
ارمنستان	-	-	-	۰	۰	۰/۴	۲	۲
جمهوری آذربایجان	-	-	-	۱۸۳	۳۲۱	۸۰۰	۲/۴۰۰	۳/۵۲۶
گرجستان	-	-	-	۱۱۸	۲۸۶	۵۷۳	۱/۰۵۰	۳/۵۲۶
قزاقستان	-	-	-	۲۳۶	۴۶۵	۱/۰۱۸	۳/۲۰۰	۲/۱۴۰
قرقیزستان	-	-	-	۳۹	۲۲	۱۰۳	۱۶۰	۳۷۱/۶۷۶
تاجیکستان	-	-	-	۱۲	۲۰	۹۴	۴۲۷	۳۶۶/۶۸۸
ترکمنستان	-	-	-	۱۶۸	۲۱۸	۳۴۱	۱/۵۰۰	۲/۴۱۷
ازبکستان	-	-	-	۲۰۰	۱۶۸	۴۱۲	۱۱۰۰	۱/۲۰۰
کل	-	-	-	۹۵۶	۱۵۰۰	۳/۳۴۱	۹/۸۳۹	۷۸/۶۴۸۶

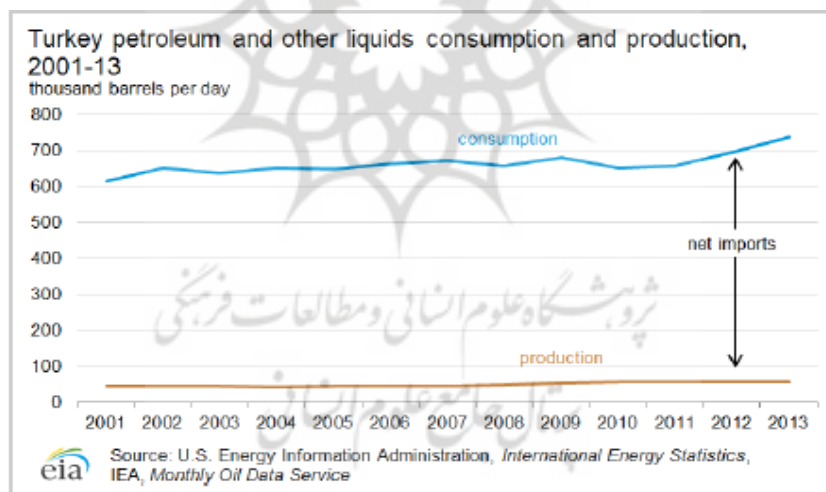
Source: Republic of Turkey Ministry of Foreign Affairs (2016), Available at: <http://www.mfa.gov.tr/sub.en.mfa?6bda4d8b-81a3-44d7-b8a0-5a287804f77b>, (Accessed on: 21/6/2016).

همان‌طور که جدول ۱ نشان می‌دهد، میزان حجم تجارت خارجی ترکیه با اتحاد شوروی از ۳۵۰ میلیون دلار در سال ۱۹۸۰ به ۴ میلیارد و ۵۵۰ میلیون دلار در سال ۲۰۰۰ و این میزان در سال ۲۰۱۰ به ۲۶ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار رسیده است (البته بعد از فروپاشی اتحاد شوروی این حجم تجارت با فدراسیون روسیه بوده است). همچنین میزان حجم تجارت خارجی ترکیه با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز که در سال ۲۰۰۰ به میزان ۱ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار بوده به ۹ میلیارد و ۸۳۹ میلیون دلار در سال ۲۰۱۰ رسیده است. این در حالی است که در سال ۲۰۱۵ این مقدار به ۷۸ میلیارد دلار رسیده است. در حوزه اقتصاد مهم‌ترین عامل جهت‌دهنده به سیاست خارجی ترکیه در منطقه، مسائل انرژی از جمله امنیت انرژی، انتقال آن است. قبل از بررسی این موضوع لازم است که جایگاه انرژی در سیاست خارجی ترکیه توضیح داده شود.

1. Turgut Ozal

جایگاه انرژی در سیاست خارجی ترکیه

ترکیه به‌عنوان کشوری که در سال‌های اخیر رشد اقتصادی مناسبی را تجربه کرده است، بیش از گذشته خود را نیازمند به منابع نفت و گاز منطقه و به‌ویژه منابع انرژی اوراسیا و قفقاز می‌بیند. به‌گونه‌ای که این کشور در سال‌های اخیر به‌دلیل نیازهای داخلی و همچنین موقعیت ژئوپلیتیک مسئله انرژی را در محور سیاست خارجی و دیپلماسی خود قرار داده است (Colantoni and Others, 2017). بنابر برآوردهای نشریه گازونفت^۱ در اول ژانویه ۲۰۱۴، ذخایر اثبات‌شده نفت ترکیه ۲۹۵ میلیون بشکه بوده است. میزان تولید نفت این کشور در سال ۱۹۹۱ به ۸۵ هزار بشکه در روز به اوج خود رسیده است؛ اما بعد از آن با روندی کاهشی به ۴۳ هزار بشکه در روز در سال ۲۰۱۴ رسید (Oil and Gas Journal, 2014: 66). همچنین براساس آمار منتشرشده از سوی شرکت نفت انگلیس^۲ در سال ۲۰۱۴، درحالی‌که میزان مصرف نفت ترکیه در سال ۲۰۰۳، به میزان ۶۴۹ هزار بشکه در روز بوده است، این میزان در سال ۲۰۱۰ به ۶۹۴ هزار بشکه در روز و در سال ۲۰۱۳ به ۷۱۴ هزار بشکه در روز رسیده است (BP, 2014: 18). نمودار ۱ روند تولید و مصرف نفت خام این کشور را در سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۳ نشان می‌دهد.



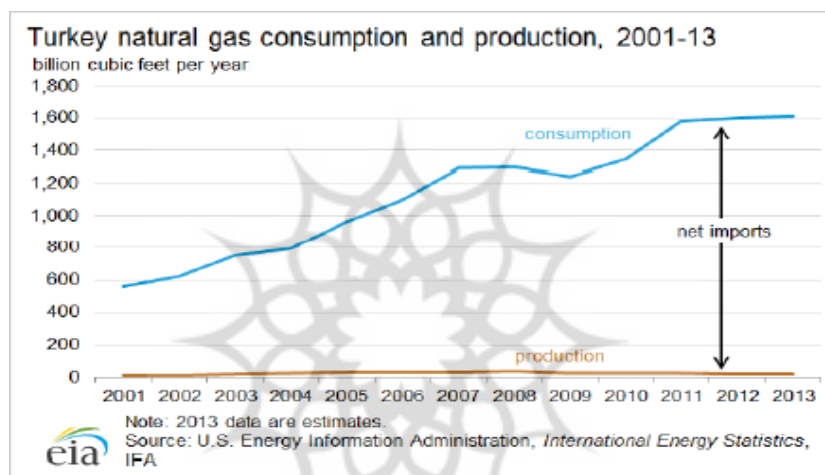
نمودار ۱. روند تولید و مصرف نفت خام ترکیه در سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۳

Source: U.S. Energy Information Administration (2016), "International Energy Statistics", Available at:

<http://www.eia.gov/cfapps/ipdbproject/IEDIndex3.cfm>, (Accessed on: 14/3/2016).

1. Oil and Gas Journal (OGJ)
2. British Petroleum

همچنین بر اساس آمار نشریه نفت و گاز، میزان ذخایر گاز طبیعی این کشور حدود ۶۲۲۹۷۰۶۲۵/۰۲۴ فقط ۲۰۱۲ سال ۲۰۱۲ فقط ۶۸۲۴۳۶۰۰۲۸/۶۷۲ مترمکعب است. این کشور در سال ۲۰۱۲ فقط ۶۲۲۹۷۰۶۲۵/۰۲۴ مترمکعب گاز طبیعی تولید کرده و تقریباً به طور کامل به واردات آن برای تأمین نیازهای داخلی خود متکی است (Oil and Gas Journal, 2014: 87). در زمینه مصرف گاز طبیعی نیز، بر اساس آمار منتشرشده از شرکت بریتیش پترولیوم، در حالی که میزان مصرف گاز طبیعی ترکیه در سال ۲۰۰۳، ۲۰/۹ میلیارد مترمکعب بوده است، این میزان در سال ۲۰۱۰ به رقم ۳۹ درصد و در سال ۲۰۱۳ به ۴۵/۶ درصد رسیده است (BP, 2014: 23).



نمودار ۲. میزان مصرف و تولید گاز طبیعی ترکیه (۲۰۱۳-۲۰۰۱)

Source: U.S. Energy Information Administration (2016), "International Energy Statistics", Available at: <http://www.eia.gov/cfapps/ipdbproject/IEDIndex3.cfm>, (Accessed on: 14/3/2016).

بنابراین، محدودیت منابع داخلی انرژی در ترکیه سبب شده تا این کشور بخش اعظم نیازهای خود به انرژی را از راه بازارهای خارجی تأمین کند. به گونه‌ای که در حال حاضر تنها حدود ۲۶ درصد از نیازهای انرژی این کشور از منابع داخلی و ۷۴ درصد آن از راه واردات تأمین می‌شود. شایان توجه اینکه سوخت‌های فسیلی ۹۰ درصد انرژی مصرفی این کشور را تشکیل می‌دهند (Republic of Turkey Ministry of Foreign Affairs, 2014). بر اساس پیش‌بینی‌های انجام‌شده این میزان وابستگی به واردات انرژی در سال ۲۰۲۰ به ۸۰ درصد نیز خواهد رسید. مصرف انرژی این کشور از ۱۱۰ میلیون تن در سال ۲۰۰۸ با رشد ۶/۸ درصد به حدود ۱۷۱/۳ میلیون تن در سال ۲۰۱۰ رسید. پیش‌بینی می‌شود که میزان مصرف نفت به ۳۱۹

میلیون تن و میزان مصرف گاز طبیعی نیز به ۱۴۰۰ میلیارد مترمکعب در سال ۲۰۲۰ برسد (Eksi, 2010: 62).

وابستگی کشور ترکیه به واردات انرژی سبب شده است تا سیاست‌های انرژی جایگاه مهمی در سیاست خارجی این کشور در سال‌های اخیر و به‌ویژه دوران حکومت حزب عدالت و توسعه پیدا کند. پیوستگی انرژی و سیاست خارجی ترکیه در یک دهه اخیر در نتیجه رشد اقتصادی این کشور بوده است؛ زیرا رشد اقتصادی با میزان رشد مصرف انرژی وابستگی تام دارد. انرژی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عامل‌های تولید، هم به‌عنوان انرژی و هم به‌عنوان خوراک مورد نیاز برای تولید برخی کالاهای راهبردی به‌ویژه در بخش پتروشیمی از نظر اقتصادی اهمیت بسیار زیادی دارد. ترکیه جدید اولویت را به توسعه و رشد اقتصادی داده است، بنابراین در راستای رسیدن به این هدف بلندمدت افزایش مصرف انرژی نیز اجتناب‌ناپذیر بوده است. این موضوع را می‌توان در نمودار ۳ به‌خوبی مشاهده کرد. این نمودار رابطه میان میزان مصرف انرژی و رشد تولید ناخالص ملی در ترکیه را به‌خوبی نشان می‌دهد.

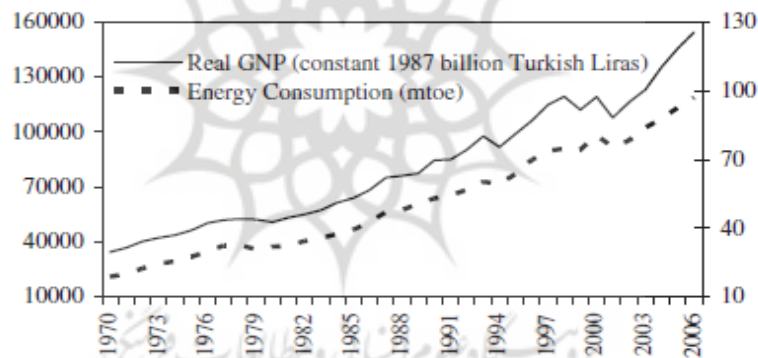


Fig. 1. The plots of the total primary energy consumption and real GNP in Turkey.

نمودار ۳. رابطه میان میزان مصرف انرژی و رشد تولید ناخالص ملی در ترکیه (۱۹۷۰-۲۰۰۶)

Source: Erdal and Others, 2008: 3839.

بنابراین، پیگیری دو اصل «به صفر رساندن اختلاف با همسایگان» و «بیشینه همکاری» در سیاست خارجی ترکیه که راهنمای عملی مقام‌های آنکارا در دوران حزب عدالت و توسعه است، با میزان وابستگی آن به منابع انرژی خارجی (وابستگی بیش از ۷۰ درصد) ارتباط دارد که خود ناشی از رشد اقتصادی بی‌سابقه این کشور در یک دهه اخیر^۱ است.

۱. میانگین رشد تولید ناخالص داخلی ترکیه در هر سال بیش از ۵ درصد بوده است (The World of Economics, 2014).

سیاست‌های انرژی ترکیه در دوران حزب عدالت و توسعه بر مبنای چهار محور قرار دارد: ۱. سود حداکثری؛^۱ ۲. موقعیت ژئوپلیتیکی؛^۲ ۳. همکاری^۳ و ۴. خطوط لوله چندگانه.^۴ اصل اول بر حداکثرسازی سود از کشورهای همسایه و حوزه‌های انرژی همسایگان مبتنی است. این رویکرد عملی ترکیه در سیاست‌های انرژی باهدف به حداکثر رساندن منافع صورت می‌گیرد. همچنین استفاده از موقعیت راهبردی و تبدیل شدن به کشوری انتقالی بین تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان از راه مسیرهای خطوط لوله نیز به‌عنوان اصلی اساسی در سیاست خارجی ترکیه قرار دارد. این اصل با استفاده از موقعیت ژئوپلیتیکی ترکیه به‌عنوان ابزار بازاریابی در سیاست‌های خط لوله عملی شده است. سیاست ژئوپلیتیک محور نشان‌دهنده فهم جغرافیایی جبرگرایی در سیاست خارجی و انرژی است (Eksi, 2010: 64). با در نظر گرفتن وضعیت ذخایر انرژی منطقه اوراسیا و نیاز روزافزون اقتصاد در حال رشد ترکیه به انرژی وارداتی، می‌توان به اهمیت منطقه اوراسیا در سیاست خارجی ترکیه پی برد. در این میان منطقه آسیای مرکزی در تأمین امنیت انرژی این کشور جایگاه ویژه‌ای دارد.

جایگاه انرژی در سیاست خارجی ترکیه نسبت به اوراسیا

منطقه اوراسیا از مهم‌ترین مناطق منابع عظیم نفت و گاز است. این منطقه به‌واسطه موقعیت مهم راهبردی و ژئوپلیتیک انرژی مورد توجه بازیگران بین‌المللی در حوزه انرژی از جمله، آمریکا، روسیه و کشورهایمانند ترکیه قرار گرفته است. از نظر توزیع جغرافیایی ذخایر انرژی، منطقه اوراسیا با در اختیار داشتن ۱/۴۸۹/۸۶۵ میلیارد بشکه ذخایر نفت خام، یعنی ۷/۹۵ درصد ذخایر اثبات‌شده جهانی نفت را تا پایان سال ۲۰۱۳ به‌خود اختصاص داده است. در زمینه گاز نیز، پس از منطقه خاورمیانه که حدود ۳۹/۹۵ درصد این ذخایر را در اختیار دارد، منطقه اوراسیا با داشتن ۳۲/۳۴ درصد کل ذخایر گاز جهان در جایگاه دوم قرار دارد (The OPEC Annual Statistical Bulletin, 2014: 22-23).

اما در طرف دیگر کمبود منابع انرژی در ترکیه سبب شده این موضوع به مسئله‌ای امنیتی تبدیل شود. به‌منظور کاهش پیامدهای امنیتی، این کشور علاوه بر مدیریت مصرف در داخل و تنوع‌بخشی به دیگر منابع انرژی مانند انرژی هسته‌ای و انرژی‌های تجدیدپذیر، در عرصه دیپلماسی انرژی نیز فعال‌تر شده است. در همین زمینه وزارت خارجه ترکیه اعلام کرده است که وابستگی روزافزون به انرژی که در نتیجه افزایش تقاضا صورت می‌گیرد، می‌تواند به‌واسطه تنوع‌سازی منابع و سیاست‌های خطوط لوله تعدیل شود. به همین منظور، ترکیه علاقه‌مند است

1. Maximum benefit
2. Geopolitical location
3. Cooperation
4. Multiple pipelines

که به پل ارتباطی میان آسیای مرکزی و قفقاز با بازارهای بین‌المللی انرژی تبدیل شود. این مسئله می‌تواند ترکیه را به‌عنوان یک کشور مسیر انتقال انرژی تبدیل کند که نقش مهمی در تأمین امنیت انرژی غرب داشته باشد (Fink, 2006: 5). به همین دلیل توسعه همکاری دوجانبه و چندجانبه در زمینه انرژی با منطقه آسیای مرکزی به یکی از بخش‌های مهم جهت‌گیری سیاست خارجی ترکیه در منطقه آسیای مرکزی تبدیل شده است. هرچند ترکیه به دلیل پیوندهای فرهنگی، زبانی و دینی شرایط خوبی برای نزدیکی به کشورهای این منطقه دارد؛ این کشور با پذیرفتن نقش کمتر ایدئولوژیک و بیشتر عمل‌گرا تمرکز را بر اقتصاد و انرژی به‌عنوان اولویت‌های خود قرار داده است. داوود اوغلو وزیر خارجه پیشین ترکیه در نشست ۲۰۱۰ استانبول معتقد بود نقش ترکیه تا پیش از این در منطقه آسیای مرکزی منفعلانه بوده است؛ اما ترکیه تمایل دارد نقشی فعال را در تصمیم‌گیری‌های منطقه بازی کند (Schröder, 2017: 6).

در همین راستا مقام‌های آنکارا با همکاری کشورهای آسیای مرکزی درگیر چند شبکه انتقال انرژی به اروپا شده‌اند. شبکه‌های انتقالی مانند ناباکو، ترانس خزر و تاناب، نمونه برجسته‌ای از این شبکه ارتباطی به‌سمت غرب است (Ibragimova, 2016). در این میان خط لوله تاناب، نمونه بارز نقش قدرتمند ترکیه در روابط انرژی منطقه آسیای مرکزی است و ترکیه را به‌شکل جدی با روابط اقتصادی این کشورها گره می‌زند. این خط لوله قرار است گاز را از میدان شاه‌دینیز جمهوری آذربایجان به مرزهای غربی ترکیه در اروپا برساند (Trend News Agency, 2017).

پرونگ‌شدن نقش ترکیه در منطقه آسیای مرکزی را می‌توان با تغییرهای کمیته‌های سازمان همکاری شانگهای به‌عنوان مهم‌ترین سازمان آسیای مرکزی توضیح داد. ترکیه نه به‌عنوان عضو اصلی بلکه به‌عنوان عضو طرف گفت‌وگو توانست ریاست کمیته انرژی این سازمان را در سال ۲۰۱۷ به‌دست‌آورد (Dailysabah, 2016). ریاست این کمیته با توجه به حضور کشورهای اصلی دارای منابع انرژی در این منطقه مانند روسیه، قزاقستان، قرقیزستان و ازبکستان نشان از قدرت بازیگری این کشور در بحث انتقال منابع موجود به‌سمت بازارهای غربی دارد. نقشی که به ترکیه اجازه می‌دهد با سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های بخش انرژی این کشورها راهی جدید برای منابع اقتصادی خود باز کند. در نگاهی کلی می‌توان هدف‌های سیاست انرژی ترکیه در منطقه اوراسیا را به این صورت بیان کرد:

۱. استفاده از منابع انرژی منطقه به‌منظور تأمین نیازهای داخلی؛
۲. تبدیل شدن به راهروی حمل‌ونقل انرژی (نه‌تنها میان شرق و غرب بلکه میان شمال و جنوب)؛
۳. استفاده از موقعیت جغرافیای سیاسی برای تبدیل شدن به هاب انرژی به اروپا؛

۴. تبدیل شدن به مرکز انرژی از راه برنامه‌ریزی برای ساختن بندر جیحان به‌عنوان مرکز توزیع انرژی به بازارهای انرژی در درازمدت (Eksi, 2010: 66).

در ارتباط با هدف اول، با توجه به وابستگی ترکیه به میزان واردات انرژی (بیش از ۷۰ درصد) به‌اندازه کافی در این نوشتار بحث شد؛ اما درباره سه هدف بعدی باید به چند نکته توجه کرد. تبدیل شدن به راهروی انرژی اشاره به تنوع خطوط لوله نفت و گاز طبیعی دارد که نه تنها انرژی خزر، قفقاز و روسیه را به ترکیه منتقل می‌کند؛ بلکه به بازار اروپا و مدیترانه نیز منتقل می‌کند. در این سناریو مهم‌ترین هدف ترکیه به‌دست آوردن درآمد انتقالی است (Bilgin, 2010: 91). در این زمینه افتتاح و توسعه طرح‌های مختلف در زمینه خطوط لوله نفت و گاز از مهم‌ترین برنامه‌های ترکیه در سال‌های اخیر بوده است. مهم‌ترین طرح خطوط لوله انتقال نفت به اروپا از خاک ترکیه، خط لوله باکو، تفلیس و جیحان^۱ است. این خط لوله که در سال ۲۰۰۶ افتتاح شد، در ۱۳ ژوئیه ۲۰۱۱ به شکل رسمی فعالیت خود را با صدور اولین محموله نفتی از این بندر آغاز کرد. در زمینه گاز می‌توان به خط لوله نوباکو، خط لوله جنوب شرقی اروپا و خط لوله گاز باکو، تفلیس و ارزروم اشاره کرد. جدول ۲ مشخصات مهم‌ترین خطوط لوله نفت و گاز ترکیه را نشان می‌دهد.

جدول ۲. مشخصات طرح‌های در حال اجرای خطوط لوله نفت و گاز ترکیه

پروژه	طول	ظرفیت	وضعیت	تأمین کننده
خط لوله نفتی باکو-تفلیس-جیحان	۱۰۷۶ کیلومتر	۵۰ میلیون تن در سال	فعال	آذربایجان-روسیه
خط لوله گازی بلو استریم	۵۰۱ کیلومتر	۱۶ میلیارد متر مکعب	در حال اجرا از سال ۲۰۰۳	روسیه
خط لوله گازی باکو-تفلیس-ارزروم	۹۹۵ کیلومتر	۱۶-۲۰ میلیارد متر مکعب	در حال اجرا از سال ۲۰۰۷	آذربایجان
خط لوله گازی ترکیه-یونان-ایتالیا	۸۰۸ کیلومتر	۳/۵ میلیارد متر مکعب به یونان. و می‌تواند به ۱۲ میلیارد متر مکعب افزایش یابد	مسیر ترکیه به یونان از سال ۲۰۰۷ فعال. و یونان به ترکیه در دست اجرا.	آذربایجان
خط لوله گازی ناپوکو	۳۳۰۰ کیلومتر	۳۱ میلیارد متر مکعب	طبق توافق انجام شده در ۲۰۰۹، قرار بوده تا ۲۰۱۴ افتتاح شود.	ترکمنستان، آذربایجان، قطر، ایران.

Source: Bilgin, 2010: 124.

1. Baku-Tbilisi-Ceyhan Pipeline

منظور از تبدیل شدن ترکیه به هاب انرژی، افزایش نفوذ ترکیه بر شبکه خطوط لوله نفت و گاز و نیز تجارت گاز طبیعی مایع (الان جی)، نه تنها به منظور نفوذ هر چه بیشتر این کشور بر شرایط حمل و نقل بلکه به منظور صادرات دوباره برخی از هیدروکربن‌هایی که از راه این سیستم عبور می‌کنند، است. از مهم‌ترین الزام‌ها در زمینه تبدیل شدن به هاب انرژی، میزان سازگاری توافق‌نامه‌های داخلی با توافق‌نامه‌های بین‌المللی است.

سرانجام مرکز انرژی بودن، اشاره به وضعیتی است که در آن ترکیه بتواند سرمایه‌گذاری عظیمی در راستای تبدیل شدن به هاب انرژی انجام دهد. مانند سرمایه‌گذاری در نیروگاه‌های هسته‌ای، انرژی‌های تجدیدپذیر، زیرساخت‌های جامع متشکل از پالایشگاه‌های اضافی، امکانات ذخیره‌سازی گاز طبیعی و بندرها، ترمینال‌های دریایی و کشتی‌ها و قطارهای واحدهای گاز طبیعی مایع (الان جی). تبدیل شدن ترکیه به مرکز انرژی همچنین مستلزم دستیابی کافی و پایدار به انرژی است. این موضوع به‌نوبه خود برتری فراوانی برای اقتصاد در حال رشد ترکیه و نفوذ منطقه‌ای آن در پی خواهد داشت (Bilgin, 2010: 114).

به منظور دستیابی به هدف‌هایی که بیان شد، دیپلماسی انرژی ترکیه نیز در منطقه اوراسیا به‌طور اساسی تحول پیدا کرده است. در سیاست انرژی ترکیه نسبت به منطقه اوراسیا، به‌جای نگرش بازی با حاصل جمع جبری صفر، رویکرد مبتنی بر همکاری (برد-برد) حاکم شده است. در همین زمینه، می‌توان به تغییر رویکرد این کشور نسبت به روسیه اشاره کرد. رویکرد و سیاست ترکیه نسبت به روسیه در منطقه از ماهیت رقابتی دهه ۱۹۹۰ خارج شده و به سمت همکاری هر چه بیشتر با آن سوق پیدا کرده است. نمونه رقابت و همکاری بین دو کشور طرح نابوکو بود که در دهه ۱۹۹۰ با هدف شکستن نقش انحصاری روسیه در خط لوله و کاهش وابستگی اروپا به روسیه راه‌اندازی شد. این در حالی است که امروزه ترکیه در راستای سیاست‌های همکاری جویانه خود از روسیه می‌خواهد به‌عنوان جزئی از طرح نابوکو باشد. برای نمونه نابوکو ۱۰ درصد گاز را از روسیه تأمین کند. در مقابل نیز روسیه از ترکیه می‌خواهد به‌عنوان عضوی از طرح جریان جنوبی^۱ که در برابر نابوکو راه‌اندازی شد، مطرح باشد (Eksi, 2010: 64). هر چند نباید نقش بحران اوکراین در سال ۲۰۱۴ و تحریم‌های غرب علیه روسیه در بهبود روابط دو کشور را نادیده گرفت.

با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان ادعا کرد مهم‌ترین عامل در فعال‌تر شدن سیاست خارجی ترکیه در منطقه اوراسیا مسائل انرژی است. این موضوع با توجه به رشد اقتصادی ترکیه از یک سو و تغییر سیاست‌های این کشور بعد از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در سال‌های اخیر صورت گرفته است. این کشور امروزه با توجه به رشد سریع اقتصادی در

سال‌های اخیر به یکی از مهم‌ترین بازارهای در حال رشد در زمینه انرژی تبدیل شده است. در طول یک دهه اخیر ترکیه به دومین کشور دنیا (بعد از چین) به لحاظ افزایش میزان تقاضای انرژی در بخش‌های مختلف از جمله گاز، نفت و الکتریسیته تبدیل شده است. اداره انرژی آمریکا در گزارش سال ۲۰۱۴، به مصرف زیاد انرژی ترکیه و اهمیت روزافزون این کشور در بازارهای انرژی اشاره می‌کند. همچنین این گزارش اضافه می‌کند با توجه به موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی، ترکیه می‌تواند به‌عنوان هاب انرژی نقش بازی کند (U.S. Energy Information Administration, 2014)؛ بنابراین، سیاست خارجی ترکیه از دو بعد با مسئله انرژی ارتباط معناداری پیدا کرده است: اول اینکه تأمین امنیت عرضه انرژی از مهم‌ترین دغدغه‌های دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی ترکیه است. در این چارچوب، گفت‌وگو برای تنوع‌بخشی مبادی واردات انرژی و نیز چانه‌زنی با کشورهای دارای منابع نفت و گاز برای قیمت مناسب و اقتصادی مهم‌ترین دغدغه سیاست خارجی است. دومین بعد حوزه ارتباط سیاست خارجی با مسئله انرژی استفاده از موقعیت ژئوپلیتیکی این کشور برای انتقال انرژی و تبدیل شدن به راهرو، هاب و مرکز انرژی است.

بحران سوریه؛ چالشی برای دیپلماسی انرژی ترکیه در اوراسیا

دیپلماسی انرژی ترکیه در اوراسیا جدا از اینکه موفقیت‌هایی داشته یا نداشته، با چالش‌هایی روبه‌رو بوده است که در نوع خود می‌تواند آینده امنیت انرژی این کشور را به‌طور جدی تهدید کند. از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی دیپلماسی انرژی ترکیه در منطقه اوراسیا، رقابت قدرتی است که در محیط پیرامونی این کشور به‌ویژه در سوریه شکل گرفته است که در آن کشورهای غربی از یک‌سو و روسیه و ایران از سوی دیگر درگیر آن هستند. اهمیت حضور روسیه برای ترکیه در این بحران از این‌روست که ترکیه بیش از ۵۵ درصد نیازهای گاز طبیعی خود و حدود ۳۵ درصد نفت خام مورد نیاز خود را از روسیه تأمین می‌کند (Turkishweekly, 2015) علاوه بر این، ترکیه و روسیه در بخش طرح‌های انتقال خطوط لوله گازی مانند ترکیش استریم با همدیگر روابط راهبردی و تنگاتنگی دارند؛ بنابراین، هرگونه اشتباه تاکتیکی در سیاست‌های این کشور در ارتباط با روسیه می‌تواند پیامدهای جدی در بخش امنیت انرژی این کشور به‌دنبال داشته باشد.

روسیه که به‌دلیل بحران اوکراین از سوی غرب تحریم اقتصادی شده است و تاحدودی در انزوای سیاسی قرار گرفته است، در بحران سوریه به‌راحتی از مواضع خود عقب‌نشینی نخواهد کرد. چراکه هرگونه سازش با غرب در مسئله سوریه را به‌مثابه از دست‌رفتن عمق راهبردی خود در منطقه خاورمیانه تلقی خواهد کرد. از سوی دیگر ترکیه به‌عنوان هم‌پیمان اسرائیل و غرب در منطقه سعی دارد تا منافع متحدان خود را تأمین کند که در این زمینه، مقابله با سوریه

به‌عنوان محور مقاومت در برابر اسرائیل یکی از این اقدام‌ها است. سیاست‌های مداخله‌جویانه ترکیه در برابر بحران سوریه که بیشتر در رقابت با ایران تعریف شده است، با ورود روسیه به این بحران دیپلماسی انرژی این کشور را در اوراسیا در تأثیر خود قرار خواهد داد. اقدام آنکارا به سرنگون کردن یک فروند «سوخو ۲۴» روسی در مرز سوریه با ترکیه در ۲۴ نوامبر ۲۰۱۵ و به دنبال آن بحرانی شدن روابط دو طرف و همچنین تحریم‌های اقتصادی روسیه علیه ترکیه، نمایانگر این مسئله است که اشتباه‌های تاکتیکی در حوزه سیاست خارجی می‌تواند بسترساز ناامنی دیپلماسی اقتصادی و به‌ویژه دیپلماسی انرژی این کشور را در اوراسیا فراهم آورد. همان‌طور که در حال حاضر نیز جلوه‌هایی از نتیجه‌های این اختلاف‌ها را می‌توان مشاهده کرد. برای مثال طرح ساخت خط لوله انتقال گاز بین ترکیه و روسیه که به ارزش ۱۱ میلیارد یورو در سال ۲۰۱۴ آغاز شده بود، به دلیل اختلاف بین دو طرف متوقف مانده است. با وجود تنش‌های موجود پیش‌بینی می‌شود از سرگیری فعالیت‌های این طرح منتفی شود (The World of Economics, 2016).

دیپلماسی انرژی ترکیه؛ درس‌هایی برای ایران

ایران با داشتن منابع غنی نفت و گاز و داشتن ژئوپلیتیک منحصربه‌فرد خود، می‌تواند نقش مهمی در بازارهای انرژی بازی کند. برخی بر این اعتقاد هستند که به موقعیت ایران در منطقه اوراسیا نباید به‌عنوان یک کشور دارای منابع غنی انرژی نگریست؛ بلکه موقعیت ایران باید از منظر یک پل ارتباطی منحصربه‌فرد بین شرق و غرب، دریای خزر و خلیج فارس، آسیای مرکزی و آب‌های آزاد ارزیابی شود؛ اما این برتری‌ها به دلیل منازعه ایران و آمریکا (تا لحظه نگارش این نوشتار) فرصت را به کشورهایی مانند ترکیه داده تا از ظرفیت‌های خود که گاه از بعضی ابعاد کمتر از ایران است طرح‌های خود را پیش ببرد و از برتری‌های انتقال و بهره‌برداری ظرفیت‌های منطقه نهایت استفاده را ببرند.

از ملزومات نقش فعال ایران در بازارهای جهانی استفاده از دیپلماسی انرژی در زمینه خطوط لوله انتقال نفت و گاز است. هرچند ایران به‌واسطه دسترسی به دریای آزاد به خطوط لوله انتقال نفت و گاز مانند ترکیه نیاز ندارد و با مشکلات راهبردی روبه‌رو نیست، ساخت و عبور خط لوله انتقال انرژی در یک کشور، دستاوردهای اقتصادی و سیاسی فراوانی برای آن کشور دارد. از جمله مهم‌ترین این دستاوردها می‌توان به دسترسی به نفت و گاز برای نیازهای داخلی در راستای امنیت انرژی، سرمایه‌گذاری خارجی و ایجاد اشتغال، درآمد‌های شایان توجه حمل‌ونقلی و نفوذ بر جریان نفت و گاز اشاره کرد. همچنین گذشتن خط لوله از یک کشور سبب افزایش اعتبار راهبردی کشور خواهد شد. به گونه‌ای که سبب پیوستگی امنیتی کشورهای منطقه خواهد شد. در اینجا است که می‌توان از همکاری‌های منطقه‌ای در زمینه انرژی سخن گفت (Etaat and Nosrati, 2010: 342).

بدون شک یک دیپلماسی انرژی فعال، برآمده از یک سیاست خارجی توسعه‌گرا خواهد بود. این نوع سیاست خارجی در زمینه حفظ و توسعه ظرفیت‌های انرژی ایران باید موضوع‌های محوری مانند ۱. تلاش برای کاهش آثار تحریم‌های نفتی بر صنعت نفت ایران به‌طور خاص و بر اقتصاد به‌طور عام از راه افزایش تعاملات اقتصادی چندجانبه با کشورهای مختلف؛ ۲. تلاش برای جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی جدید در حوزه انرژی از راه به‌کارگیری و پیگیری یک دیپلماسی فعال و سازنده؛ ۳. تلاش برای افزایش پیوندها و همکاری‌های نفتی و گازی ایران با کشورهای مختلف از جمله تقویت جایگاه ایران در اوپک گازی و بستن قراردادهای گازی جدید را همواره مدنظر قرار دهد (Rouhani, 2010: 33-34). تجربه دیپلماسی انرژی ترکیه در منطقه اوراسیا از این منظر می‌تواند درس‌هایی گرانبها برای دیپلماسی انرژی ایران داشته باشد. دستگاه دیپلماسی ایران با شناخت معادله‌های نظام بین‌الملل توانسته است از موقعیت مناسب جغرافیایی خود به بهترین شکل ممکن استفاده کند.

نتیجه

با توجه به اهمیت اقتصادی و راهبردی آسیای مرکزی در راهبرد جدید ترکیه که براساس راهبردهای احمد داوود اوغلو وزیر خارجه ترکیه در قالب مفهوم «عمق راهبردی» و «تعارض صفر با همسایگان» طرح‌ریزی شده است، به‌نظر می‌رسد ترکیه با وجود مشکلاتی که برای گسترش نفوذ خود در آسیای مرکزی دارد برای حل آن‌ها گام برداشته و در این زمینه دولت ترکیه با درک تغییرهای کلان نظام بین‌الملل و اهمیت منطقه‌گرایی به تدوین راهبرد کلان متقارن با این تغییرها پرداخته است. این کشور که در سال‌های اخیر به دلیل رشد اقتصادی و پویایی‌های ناشی از آن در صحنه سیاست خارجی به بازیگری فعال در منطقه اوراسیای مرکزی تبدیل شده است، سهولت دستیابی به منابع انرژی را گامی اساسی در راستای احیای قدرت از دست‌رفته خود در قالب رویکرد نو عثمانی‌گری می‌پندارد. به همین منظور تلاش زیادی در قالب دیپلماسی انرژی با هدف تعمیق همکاری‌های خود با کشورهای این منطقه انجام داده است. آنچه موجب توجه سیاست‌گذاران ترکیه نسبت به آسیای مرکزی شده بیشتر ناشی از این دو عامل است: نخست، نقش آسیای مرکزی در احیای دوباره اهمیت راهبردی ترکیه برای غرب از لحاظ نقش این کشور به‌عنوان پل ارتباطی بین شرق و غرب در انتقال نفت و گاز منطقه به اروپا و دوم، منافع اقتصادی سرشاری است که این منطقه می‌تواند برای ترکیه داشته باشد. ترکیه با توجه به موقعیت خود به‌عنوان راه اصلی انتقال این منابع به اروپا می‌تواند سود سرشاری به‌دست آورد. همچنین این منطقه دستیابی ترکیه به بازارهای مصرف جدیدی را فراهم می‌آورد؛ بنابراین به‌نظر می‌رسد که ترکیه در آینده نقش بیشتری برای آسیای مرکزی در سیاست خارجی خود قائل شود و از این راه در پی تأمین منافع منطقه‌ای و بین‌المللی خود برآید.

References

1. Baldwin, D. A. (2013), "Power and International Relations", in: W. Carlsnaes, T. Risse and B. A. Simmons (eds), **Handbook of International Relations**, London: Sage, pp. 273-297.
2. Barzegar, Kayhan (2010), "Regionalization in Iran's Foreign Policy", **Central Eurasia Studies**, Vol. 3, No. 5, pp. 23-40 [in Persian].
3. Bilgin, Mert (2010), "Turkey's Energy Strategy: What Deference does it Make to Become an Energy Transit Corridor, Hub or Center?", **UNISCI Discussion Papers**, No. 23, pp. 20-40.
4. Bilgin, Pinar and Ali Bilgiç (2011), "Turkey's "New" Foreign Policy toward Eurasia", **Eurasian Geography and Economics**, Vol. 52, No. 2, pp. 173-195.
5. Borzel, Tanja A. and Thomas Risse (2007), "Theorizing Regionalism: Cooperation, Integration and Governance", **Handbook of Comparative Regionalism**, Oxford University Press, Available at: file:///C:/Users/khavarmianeh/Downloads/B%C3%B6rzel%20Cooperation_Integration_Governance%20EUSA.pdf, (Accessed on: 21/5/2018).
6. **BP** (2014), "Statistical Review of World Energy", Available at: http://slideshare.net/BP_plc/bp-statistical-review-of-world-energy-2014-presentation, (Accessed on: 18/9/2014).
7. Chegenizadeh, Gholamali and Behzad Khoshandam (2010), "Cooperation and Confrontation between Periphery and West Approach in Turkish Foreign Policy", **Foreign Relations**, No. 55, pp. 189-220 [in Persian].
8. Colantoni, Lorenzo and Others (2017), "Energy and Climate Strategies, Interests and Priorities of the EU and Turkey", **FEUTURE Online Paper**, Available at: http://www.iai.it/sites/default/files/feuture_4.pdf, (Accessed on: 21/5/2018).
9. Davutoğlu, Ahmet (2009), "Turkish Foreign Policy and the EU in 2010", **Turkish Policy Quarterly**, Vol. 8, No. 3, pp. 11-17.
10. **Dailysabah** (2016), "Turkey to Chair 2017 Energy Club of Shanghai Cooperation Organization", Available at: <https://dailysabah.com/energy/2016/11/23/turkey-to-chair-2017-energy-club-of-shanghai-cooperation-organization>, (Accessed on: 13/10/2017).
11. Dehghani Firouzabadi, Seyed Jalal (2010), "The Evolution of Regionalization's Theories", **Central Eurasia Studies**, Vol. 3, No. 1, pp. 99-116 [in Persian].
12. Eksi, Muharrem (2010), "The Role of Energy in Turkish Foreign Policy", **The Turkish Yearbook of International Relations**, Vol. 41, No. 5, pp. 59-69.
13. Erdal, Gülistan, Hilmi Erdal and Kemal Esengün (2008), "The Causality between Energy Consumption and Economic Growth in Turkey", **Energy Policy**, Vol. 36, No. 10, pp. 3838-3842.
14. Etaat, Javad and Hamidreza Nosrati (2010), "Oil, Geo-Economy and National Security of Iran", in: **Collection of Articles of the National Conference on Oil and Foreign Policy**, Tehran: Strategic Research Center [in Persian].
15. Fink, Daniel (2006), "Assessing Turkey's Future as an Energy Transit Country", **The Washington Institute for Near East Policy**, pp. 1-8, Available at:

- <http://washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/assessing-turkeys-future-as-an-energy-transit-country>, (Accessed on: 11/6/2016).
16. Gilpin, R. (2016), **The Political Economy of International Relations**, Princeton: Princeton University Press.
 17. Ibragimova, Galiya (2016), "Turkey's Plans for Central Asia now Include Russia", Available at: <http://russia-direct.org/analysis/turkeys-plans-central-asia-now-include-russia>, (Accessed on: 19/8/2016).
 18. Kaliber, Alper (2013), "The Post-Cold War Regionalisms of Turkish Foreign Policy", **Journal of Regional Security**, Vol. 8, No. 1, pp. 25-48.
 19. Naghdinejad, Hossein and Naser Pour Ebrahim (2012), "Turkey and Central Asia", Jun. 15, Available at: <http://uzbek.irib.ir/persian>, (Accessed on: 28/7/2016) [in Persian].
 20. **Oil and Gas Journal** (2014), Available at: <http://www.ogj.com/articles/print/volume-112/issue-1.html>, (Accessed on: 12/10/2016).
 21. **Politikaakademisi** (2015), "The Turkish Foreign Policy in Justice and Development Party Era and the "Axis Shift" Debate", Available at: <http://politikaakademisi.org/the-turkish-foreign-policy-in-justice-and-development-party-era-and-the-axis-shift-debate>, (Accessed on: 12/6/2016).
 22. **Republic of Turkey Ministry of Foreign Affairs** (2014), Available at: <http://mfa.gov.tr/turkeys-energy-strategy.en.mfa>, (Accessed on: 13/3/2015).
 23. **Republic of Turkey Ministry of Foreign Affairs** (2016), Available at: <http://www.mfa.gov.tr/sub.en.mfa?6bda4d8b-81a3-44d7-b8a0-5a287804f77b>, (Accessed on: 21/6/2016).
 24. Rouhani, Hasan (2010), "Foreign Policy and the Future of Oil and Gas in Iran", **Foreign Relations**, No. 3, pp. 7-37 [in Persian].
 25. Schröder, M. (2017), "The Discursive Construction of Turkey's Role for European Energy Security: a Critical Geopolitical Perspective", **FEUTURE**, No. 1, Available at: http://www.iai.it/sites/default/files/feuture_phd_1.pdf, (Accessed on: 4/5/2017).
 26. **The OPEC Annual Statistical Bulletin** (2014), Available at: http://opec.org/opec_web/en/publications/202.htm, (Accessed on: 3/7/2016).
 27. **The World of Economics** (2014), "Analysis of Turkey's Economy", Issue No. 3267, August 11, Available at: <https://donya-e-eqtesad.com/%D8%B1%D9%88%D8%B2%D9%86%D8%A7%D9%85%D9%87-%D8%B4%D9%85%D8%A7%D8%B1%D9%87-3267>, (Accessed on: 9/8/2016) [in Persian].
 28. **The World of Economics** (2016), "Six Challenges in Trading with Russia", Issue No. 1050368, Apr. 29, Available at: <https://donya-e-eqtesad.com>, (Accessed on: 1/7/2016) [in Persian].
 29. **Turkishweekly** (2015), "Russia-Turkey Tension Brings Gas Trade on Top of Agenda" (2015), Available at: <http://turkishweekly.net/2015/10/09/news/russia-turkey-tension-brings-gas-trade-on-top-of-agenda>, (Accessed on: 13/9/2016).
 30. **U.S. Energy Information Administration** (2014), Available at: <http://eia.gov/countries/country-data.cfm?fips=TU>, (Accessed on: 17/7/2016).

31. **U.S. Energy Information Administration** (2016), “International Energy Statistics”, Available at: <http://www.eia.gov/cfapps/ipdbproject/IEDIndex3.cfm>, (Accessed on: 14/3/2016).
32. **Trend News Agency** (2017), “Minister: TANAP to Strengthen Turkey’s Energy Role in Region”, Available at: <http://en.trend.az/world/2758118.html>, (Accessed on: 23/5/2017).

